

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عن علي بن الحسين عليه السلام قال:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبُوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجَ وَ حَوْضَ اللَّجْجِ﴾

الكافي، جلد 1، صفحه 35

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،
وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. 1398/9/24

عنوان:

نکاتی ادبی در آیات ۳۹-۴۲ سوره نساء

شناسنامه مطلب	
e-w-49	کد مطلب
	موضوع
علمی / سایر علوم / تحقیق و مطالب علمی / یادداشت / درس حوزوی / سؤال و تمرین	رده
فاء عاطفه، فاء استینافیه، مفعول به، مفعول مطلق، باب اعطی، افعال دومفعولی، حسن و قبح عقلی، حسن و قبح شرعی، اشاعره، عدلیه، ملاکات احکام، مصالح و مفاصد عقلی، عطف جمله بر جمله	برچسب

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1. محتوای این فایل، پاسخ به تمرین 585 از تمارین [کانال کاربرد علوم حوزوی](#) در

عن عبي بن الحسين عليه السلام قال:
پیام‌رسان اینا است.

﴿تَوْضِيحُ الْعِلْمِ لِلنَّاسِ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَبُوهُ وَ لَوْ سَفَكَ الْمُهَجُ وَ خَوْضُ اللَّحَجِ﴾
2. در تولید این فایل از نرم‌افزار ادبیات عزب متعلق به مرکز تحقیقات کامپیوتری

علوم اسلامی استفاده شده است. الکافی، جلد 1، صفحه 35

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی،

وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. 1398/9/24
«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ عَصَا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَ لَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَ لَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا»¹

تمرین:

1. نقش «مثقال» و «حدیثا» چیست؟

2. نوع «فاء» در «فکیف ... الخ» چیست؟

3. با استفاده از ابحاث علم معانی از آیه پایانی نفی برخی از مهمترین مبانی مذهب اشاعره را برداشت کنید.

پاسخ:

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نمو

1. مثقال مفعول مطلق نوعی برای یظلم است (رجوع شود به شرح بیت چهارم از باب مفعول مطلق در الفیه ابن مالک) و روشن است که مفعول به نمی تواند باشد چون ظلم روی مثقال واقع نمی شود و غرض از حذف مفعول به، بی نیازی از مظلوم خاص است.¹

حدیثا نیز مفعول مطلق دوم است برای یکتمون چرا که از افعال باب اعطی به حساب می آید.

2. درویش چنین گفته است:

«الفاء استئنافية و کیف اسم استفهام، و هي في مثل هذا التركيب تحتل وجهين لا ثالث لهما، و هما أن تكون خبرا لمبتدأ محذوف، أي: كيف حالهم؟ و ثانيهما أن تكون حالا من محذوف، أي: كيف يصنعون؟ و إذا ظرف زمان متعلق بهذا المحذوف²»

اما ابن هشام موارد شاهد برای فاء استیناف را رد نموده است. وی می گوید:

«تنبیه - قيل: الفاء تكون للاستئناف، كقوله:

ألم تسأل الرّبع القوا، فينطق [و هل تخبرنك اليوم ببدء سملق]

أى فهو ينطق، لأنها لو كانب للعطف لجزم ما بعدها، و لو كانت للسببية لنصب، و مثله (فإنّما يقولُ له كُنْ فيَكُونُ)* بالرفع، أى فهو يكون حينئذ، و قوله:

الشّعر صعب و طويل سلّمه إذا ارتقى فيه الذّى لا يعلمه

زلّت به إلى الحضيض قدمه يريد أن يعرّبه فيعجمه

أى فهو يعجمه، و لا يجوز نصبه بالعطف، لأنه لا يريد أن يعجمه

و التحقيق أن الفاء فى ذلك كله للعطف³»

1 رجوع شود به فایل e-s-1 از سایت همین پایگاه.

2 اعراب القرآن الکریم و بیانه، ج 2، ص 220

3. مغنی اللیب؛ ج 1؛ ص 167

ما نظر ابن هشام را انتخاب می‌کنیم و لذا در آیه شریفه باید یک معطوف علیه برای جمله مدخول فاء بیابیم و یا در تقدیر بگیریم مانند «نرید أن نجزي الأمم جميعاً بكمال العدل» و الله العالم.

3. مقدمه اول: ذیل آیات بسیار زیادی در قرآن که متصدی بیان اوصاف الهی است با مفاد صدر آن در ارتباط است و گرنه اطناب مذمومی و مخل فصاحت می‌بود. (شاید بتوان آن را نوعی ایغال دانست.) حکایت معروفی است که:

یروی أن أعرابياً سمع شخصا يقرأ: وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَأَقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنْ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ فقال ما ينبغي أن يكون الكلام هكذا، فقيل: إنَّ القارئ غلط، و القراءة: وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ¹؛ فقال: نعم هكذا تكون فاصلة هذا الكلام، فإنه لما عرَّ حكم. و إذا تأملت فواصل القرآن وجدتها كلها لم تخرج عن المناسبة².

مقدمه دوم: عفو و غفران کاشف است از اینکه طهارت تراپیه نسبت به طهارت مائیه فاقد برخی از مصالح است و گرنه نیازی به عفو و غفران نبود.³

پس اوامر شرعی تابع مصالحی در متعلقات خودشان هستند با فراغ از تعلق امر و این اثبات کند ثبوت مصالح و مفسد واقعیه را اولاً و لوازم آن را مانند ثبوت حسن و قبح عقلی خلافاً للاشاعرة.

1. المائدة / 38.

2. خزنة الأدب و غاية الأرب؛ ج 2؛ ص 106

3. عفو و غفران ملازمه با گناه ندارد و مطلق رفع نقص را شامل می‌شود.